



# تذکرہ اذکارین

مجموعہ دوا و نذرین

تألیف علامہ شیخ محمد باقر قلندی بیرونی

سنہ ۱۲۵۲ ق.

(صاحب کبریت احمر)

تحقیق و تصحیح

محمد حسن زبیری قلندی - علی اصغر کلوی قوجانی

قائنی بیرجندی، ابوالحسن محمد باقر. ۱۲۷۶. ۱۳۵۲ ق.

فاکهة الذاکرین [مجموعه دعاها و نیایش ها] / تألیف محمد باقر قائنی بیرجندی؛ تحقیق و تصحیح: محمد حسن زبری قائنی - علی اصغر شکوهی قوجانی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲.

ISBN 978-964-971-570-4

۵۴۲ ص.

فیبا

۱. ذکر. ۲. اخلاق اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴ ق. الف. زبری قائنی، محمد حسن، ۱۳۳۹ - ، مصحح. ب. شکوهی قوجانی، علی اصغر، ۱۳۱۳ - ، مصحح. ج. بنیاد پژوهشهای اسلامی. د. عنوان.

۲۹۷/۷۷

BP ۲۶۶ / ق ۲۵

۱۹۶۴۴۷۰

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



## فاکهة الذاکرین

[مجموعه دعاها و نیایش ها]

علامه شیخ محمد باقر قائنی بیرجندی

تحقیق و تصحیح: محمد حسن زبری قائنی / علی اصغر شکوهی قوجانی

ویراسته محمد رضا نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۲ / ۱۰۰۰ نسخه، وزیری / قیمت ۶۲۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاههای کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

## فهرست اجمالی

### باب اوّل

در ذکر ثواب ذکر، دعا و تلاوت قرآن ..... ۶۳

### باب دوم

در صفات داعی، وقت آن و مکار آن ..... ۱۱۳

### باب سوم

در بیان مختصری از اوّاد و اعمال شب و روز جمعه ..... ۱۲۷

### باب چهارم

در مختصری از اذکار وقت صبح، مغرب و ظهر ..... ۱۷۹

### باب پنجم

در بیان مقداری از آنچه در هر شبانه روز باید خوانده شود ..... ۲۱۱

### باب ششم

در ادعیه‌ای که در حالات مختلفه باید خواند و مکرّر شود در شبانه روز ... ۲۶۹

باب هفتم

در ادعیه وقت خواب و بیداری و آداب تهجد ..... ۲۹۳

باب هشتم

در آداب سجده شکر، مسواک زدن، اسم اعظم و بعضی از نمازهای نافله غیر از  
رواب ..... ۳۱۷

باب نهم

در استحباب توبه و ائمه طاهرين (علیهم السلام)، بعضی از زیارات، دعاهاى مأثوره در آن و  
نمازهای شب هفت ..... ۳۳۱

باب دهم

در دعاهاى متفرقه مهم ..... ۳۵۷

باب یازدهم

در تعقیبات مختصره که کمتر در کتب رایجہ در شده ..... ۳۸۳

باب دوازدهم

در ذکر مقداری از مناجات‌ها، احراز و ادعیه متفرقه ..... ۴۱۳

کتابنامه ..... ۴۹۷

فهرست تفصیلی ..... ۵۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

### شرح حال مؤلف

قرن چهاردهم هجری. یکی از سندهای پر افتخار و درخشان حیات اسلام است. در این قرن شاهد شکوفایی درست علم و دانش و باروری شجره طيبة دین، در سراسر ممالک اسلامی هستیم. سرزمان دین این قرن، نظاره گر وجود عالمان بسیار و چهره های ماندگار در شهرهای کوچک و بزرگ خویش بوده است. از جمله ایشان فقیه محدث رجالی، ادیب شاعر متکلم، جامع منقول و منقول، علامه آیه الله شیخ ابوالحسن محمد باقر قائنی بیرجندی است که هم آثار وی همواره جاودان خواهد ماند. اینک در این مقال کوتاه، به شرحی گذرا از زندگی سراسر تلاش و کوشش وی می پردازیم و اندکی از آگاهی و تعهد و مسئولیت وی را باز می نمایانیم.

### خاندان

خانواده وی، بیت علم و فضیلت و خاستگاه علمای خدمتگزار دین بود. اجدادش همه - از طرف پدر و مادر - از علمای معروف به زهد و تقوا و دوری از

ستمگران و سخت‌گیری بر ایشان بوده‌اند<sup>(۱)</sup>.

پدرش مولا محمد حسن قاننی، یکی از علمای مشهور منطقه و استاد بسیاری از عالمان پس از خویش بوده است.

نیایش مولا علی محمد شریف علوی فاطمی (م ۱۱۴۹ ق) ملقب به اشرف الشرائع و جد اعلایش علامه ملا محمد باقر، از شاگردان علامه مجلسی و گویا صاحب اجازه از وی و شیخ حرّ عاملی بوده است. وی کتابخانه عظیمی داشت، که در فتنه ترک‌ان‌ها - در اواخر دولت صفوی - به آتش کشیده شد و بسیاری از نفایس آن بی‌یغما رفت و در هرات و بخارا به معرض فروش گذاشته شد، و شاید اجازه ملا محمد باقر، از علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی نیز در آن آتش سوزی از بین رفته باشد.

برادران علامه بیرجندی نیز از علما و دانشمندان بوده‌اند. برادر بزرگش آقا شیخ محمد ابراهیم قاننی، برادر دیگرش شیخ محمد تقی قاننی ادیب، فاضل و شاعر - متخلص به «شعله» - و برادر دیگرش حاج ملا محمد علی است. مادر ایشان نیز از خانواده علم و فضیلت و دختر مولا محمد حسن عسکری قاننی بوده است<sup>(۲)</sup>.

## ولادت

معظم له، در ربیع الأول سال ۱۲۷۶ ق در روسان «آستان» از توابع قائن در چنین خانواده اصیل و با سابقه علمی دیده به جهان گشود<sup>(۳)</sup> و پس از طی دوران کودکی، ادبیات و علوم بلاغت را نزد والد بزرگوارش شیخ محمد حسن آقائی فراگرفت.

(۱) مرعشی، سید محمود، المسلسلات ج ۲، ص ۷؛ واعظ خیابانی، ملا علی، علمای معاصرین، ص ۱۶۶.

(۲) واعظ خیابانی، ملا علی، علمای معاصرین، ص ۱۶۶.

(۳) تهرانی، آقابزرگ، نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۰۴؛ امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۱؛ رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۲۶۵.

## تحصیلات

مرحوم بیرجندی، دوازده ساله بود (۱۲۸۸ ق) که به سوی قائن حرکت کرد و در مدرسه جعفریه ساکن شد. و نزد برادرش حاج ملا محمد علی و اساتید دیگر (همچون سید ابوطالب قائنی) ادبیات و معانی و بیان را تکمیل نمود. در همین زمان واقعاتی رخ داد که مسیر زندگی علمی وی را دگرگون ساخت:

روزی مرحوم خانلرخان اعتصام الملك - که برای تعدیل مالیات قائنات و سیستان از طرف دولت مأمور شده بود - به مدرسه جعفریه رفت و از فضلا و طلاب مدرسه پرسش‌هایی نمود و جماعت فضلا از پاسخگویی عاجز شدند. در این میان تنها مرحوم شیخ محمد - که کمی سن - از عهده جواب برآمد و پاسخ‌های کافی و شافی داد که نظر خانلرخان را به سوی خود جلب کرد و لذا ایشان را به مشهد مقدس اعزام نمود.

## هجرت به مشهد مقدس

علامه بیرجندی در چهارده سالگی (۱۲۹۰ ق) به مدرسه میرزا جعفر رفت و در مدت چند سال، برخی از کتب فقهی و اصولی (معجم، فرائد و شرح لمعه) را نزد میرزا هدایت الله مدرس ابهری و کتاب‌های شیخ انصاری (رسائل و مکاسب) را نزد شاگردان شیخ فراگرفت که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. حاج سید عبدالصمد شوشتري؛ که نزد شیخ انصاری از مطول‌ترین کتاب‌های فقهی و اصولی را تا واپسین روزهای زندگی شیخ خوانده بود.

۲. شیخ محمد تقی بجنوردی (م ۱۳۱۴ ق).

۳. شیخ علی یزدی (م ۱۳۱۱ ق).

۴. علامه سید مرتضی یزدی قائنی.

حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی رضا مدرس سبزواری و علوم تجوید و قرائت

را در محضر ملا علی مزینانی آموخت<sup>(۱)</sup>.

وی در این مدرسه در کمال اعزاز و احترام بود و حجره مرحوم شیخ رئیس قاجار را بدو داده بودند و به توصیه اعتصام الملک، رکن الدوله، فرمانروای خراسان، و میرزا سعید خان، متولی آستان قدس، کمال احترام را بدو می‌کردند<sup>(۲)</sup>. استاد وی، میرزا هدایت الله ابهری بارها گفته بود:

«من درس را تنها برای ایشان می‌گویم؛ زیرا که شیخ بهایی در عالم رؤیا سفارش او را به من رسانیده است و گفت: او در آینده به مقاماتی عالی خواهد رسید»<sup>(۳)</sup>.

### هجرت به نجف

شیخ محمد اقا قاینی میرجندی در بیست سالگی (۱۲۹۶ ق) رخت سفر به تن کرد و آهنگ نجف نمود. وی در حالی که فاضلی که درس خوانده بود و در فقه، اصول، کلام، فلسفه و ادبیات دستی توانا داشت، در نجف درس اساتید نام‌آور نجف شرکت جست و در فقه، اصول، درایه و رجال از محضر آنان استفاده‌های فراوانی برد.

### اساتید

استادان وی در نجف، عبارت‌اند از آیات عظام

۱. میرزا حبیب الله رشتی (م ۱۳۱۲ ق)، صاحب جامع المدارک و شرح الشرایع.
۲. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق)، صاحب حاشیه الاصول و شرح

(۱) مرعشی، سید محمود، المسلسلات، ج ۲، ص ۷؛ رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۳،

ص ۲۶۵؛ واعظ خیابانی، ملا علی، علمای معاصرین، ص ۱۶۶.

(۲) سعیدزاده، محسن، بزرگان قائن، ص ۴۸۷.

(۳) مرعشی، سید محمود، المسلسلات، ج ۲، ص ۸؛ رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۳،

التبصرة .

۳. علامه شیخ هادی تهرانی (م ۱۳۲۱ ق)، صاحب محبّة العلماء .

۴. مولا محمد فاضل ایروانی (م ۱۳۰۶ ق).

۵. حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی (م ۱۳۲۶ ق).

## هجرت به سامراء

با ورود به الله میرزای شیرازی به سامراء در سال ۱۲۹۱ ق، حوزه علمیه پر عظمت و اشکری را آنجا تشکیل گردید که چشم روزگار، مانند آن را کمتر دیده بود. صدها استاد و شاگرد از بام تا شام به تدریس، تحصیل و تألیف و تصنیف اشتغال داشتند، و این میرزا بود که دل هر دانشور فرزانه را به سوی خود جلب می کرد. از این رو، بیشتر درس سونندگان نجف، پس از چندی راه به سامراء می سپردند تا از برکات وجودی و ارزانیات و شاگردان او بهره برند. مرحوم علامه شیخ محمد باقر بیرجندی نیز در سال ۱۳۰۰ ق به سامراء رفت و سالیانی چند در فقه و اصول از محضر فقیه فخرآفرین شیعه حضرت میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲ ق)، بهره های فراوانی برد، و همزمان در علم حدیث و رجال از محضر محدث جلیل، میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ ق) صاحب مستدرک، استفاده کرد و مورد توجه فراوان آن دو قرار گرفت. میرزای شیرازی که استاد او را، فقه دید، بدو دستور داد که در این علم، کتاب بنویسد. و او به تألیف کتاب وثیة الفقهاء، و ابضاح الطريق مشغول شد. زمانی که جلد اول آن به پایان رسید، تقدیم حضرت میرزا نمود و ایشان پس از آنکه یکی دو ماه آن را مطالعه فرموده بود، او را تحسین کرد و با تأکید و تکرار بدو گفت: «بنویس! بنویس!»<sup>(۱)</sup>.

(۱) واعظ خیابانی، ملاعلی، علمای معاصرین، ص ۱۶۷.

### مهاجرت به بیرجند

علامه شیخ محمد باقر قاینی بیرجندی، پس از رسیدن به مقام عالی اجتهاد و کسب اجازات متعدد اجتهادی و روایتی از اساتیدش در سی سالگی (۱۳۰۵ ق) رهسپار حج بیت الله الحرام و مدینه منوره شد و پس از بازگشت از سفر حج، به سوی زادگاه خویش بازگشت و در آنجا رحل اقامت افکند. در بیرجند پس از ازدواج، به تألیف و تصنیف، تدریس علوم دینی و تربیت شاگردان، افتاء و پاسخگویی به پرسش‌های مردم، اقامه جمعه (که آن را واجب تعیینی می‌دانست) و جماعات پرداخت. همچنین منزل او محل رفع دعاوی و خصومات مردم و قضاوت شد. در بهار ۱۳۰۷ هجری در به عنوان حاکم شرع به اجرای احکام دین (مانند: طلاق زنانی که شوهران آنها منور شدند) می‌پرداخت، و البته در اواخر عمر شریفش از قضاوت دوری می‌کرد.

### مناظره با ملا ابراهیم حنفی

در روزهای نخست ورود مرحوم علامه به زادگاهش، روزی در مجلس امیر علم - حاکم بیرجند - بین معظم له و ملا ابراهیم حنفی - که از افاضل علمای عامه و معروف به احاطه بر کلام و جدل بود - در مسائل امانت و مباحث دیگر، بحثی درگرفت و به پیروزی وی بر ملا ابراهیم بینجامید. در این واقعه سبب شهرت مرحوم علامه در محافل علمی و نزد مردم شد. همه مردم منتظران ایشان و بیرجند و مردمان افغانستان از - سنی (حنفی) و شیعه - در مسائل مذهبی، بدو مراجعه می‌کردند و او بر حسب هریک از مذاهب فتوا صادر می‌کرد و در خطابات رسمی از سوی علمای هرات و دولت افغانستان، از او به «مفتی الفریقین» تعبیر می‌شد.<sup>(۱)</sup>

(۱) رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۲۶۴؛ مرعشی، سید محمود، المسلسلات، ج ۲،

## شرح حال مؤلف □ ۱۱

وی عقیده داشت هرکس باید برای روز جهاد، آماده باشد و واجب است فنون نظامی را فراگیرد و لذا هر روز تفنگش را برمی داشت و با گروهی از بزرگان و رؤسای شهر به صحرا می رفتند تا تمرین تیراندازی بنمایند و فنون رزم را فراگیرند. حتی به برخی از جوانان، از زکات و حقوق شرعی مالی می پرداخت تا در تیراندازی استاد ماهر شوند و به گروهی دیگر آموزش دهند. همچنین دو نفر از کسانی که در تیراندازی با سلاح گرم مهارت داشتند استخدام کرده بود، که خبر این حرکت و اقدام در سند شماره ۱ و زنامه «حبل المتین» درج شد<sup>(۱)</sup>.

### تدریس

او همه روزه به تدریس فقه و اصول می پرداخت و از این رهگذر، گروه بسیاری از فضلاء قائن و بیرجند را در میان شاگردانش پروراند، که برخی از ایشان عبارت‌اند از:

۱. آیه الله حاج شیخ محمد حسین آیت الله العظمی (۱۳۹۲ - ۱۳۱۰ ق)، صاحب بهارستان و مقامات معنوی.

۲. آیه الله شیخ جواد عارفی بیرجندی (وی اخیراً در ریاضی شتافت).

### تالیفات

از آن مرد بزرگ، کتاب‌های فراوانی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی چون: فقه، اصول، حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، رجال و درایه، قرائت و تجوید، شعر و ادب، برجای مانده که شمار آنها به ۶۲ اثر می‌رسد و اکثر آنها به خط شیرازی در کتابخانه مرحوم آیه الله نجفی مرعشی موجود است<sup>(۲)</sup>. این آثار عبارت‌اند از:

(۱) مرعشی، سید محمود، المسلمات، ج ۲، ص ۸.

(۲) اشکوری حسینی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی، ج ۹، ص ۱۹۰ - ۲۰۴.

## الف) فقه

چنان‌که گذشت، آن فقیه بزرگوار از ۲۶ سالگی، به امر میرزای شیرازی دست به تألیف کتاب فقهی وثیقة الفقهاء زد و مورد تشویق و تحسین میرزا قرار گرفت. او به اندازه‌ای در فقه چیره دست بود، که به گفته فرزندش آیه‌الله شیخ محمد حسین آیتی می‌فرمود:

من می‌توانم مهمات مسائل فقه از طهارت تا دیات را با اشاره به فتاوی فقهای بزرگ بدون مراجعه به کتاب‌های فقهی از نو بنویسم.

برخی از فتاوی فقهی ایشان عبارت‌اند از:

۱. وجوب نیت نماز جمعه در زمان غیبت که خود نیز آن را اقامه می‌کرد و وجوب جمع بین آن و نماز ظهر.

۲. وجوب بقای بر تقلید از نیت اعلم.

۳. جواز طلاق زنی که شورش غائی است.

۴. عدم تفصیل بین زمین و ساختمان در ارث زوجه.

۵. فقر و عسر از موجبات فسخ نکاح است<sup>(۱)</sup>.

کتاب‌های فقهی ایشان عبارت‌اند از:

۱. وثیقة الفقهاء: شرح بزرگ و استدلالی تبصرة العیون علامة جلی است، در

دو جلد و تا پایان کتاب صوم. نسخه خطی آن در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود است<sup>(۲)</sup>.

۲. العین الباصرة فی شرح التبصرة<sup>(۳)</sup>.

۳. الرسالة الفرضية: در مسئله «عول و تعصیب» و ردّ بر عامه که نسخه اصل آن در

(۱) مرعشی، سید محمود، المسائلات، ج ۲، ص ۱۱.

(۲) تهرانی، آقابزرگ، الذریعة، ج ۲۵، ص ۲۷.

(۳) همان، ج ۱۵، ص ۳۶۷.

- کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است .
- ۴ . منجزات المريض : درباره اینکه منجزات از اصل ترکه میّت ، خارج می شود .
  - ۵ . مجمع المسائل .
  - ۶ . طلاق الحاكم زوجة الغائب .
  - ۷ . صلاة الجمعة : او قائل به وجوب عینی نماز جمعه و وجوب جمع بین آن و نماز ظرربو .
  - ۸ . الریة فی النکاح : نسخه اصل آن به شماره ۳۴۱۰ در کتابخانه آیه الله مرعشی محفوظ است .
  - ۹ . جامع الفقه<sup>(۱)</sup> .
  - ۱۰ . حاشیه بر جامع علمیه .
  - ۱۱ . حاشیه بر ریاض المسائل (زهر الریاض) .
  - ۱۲ . تزویج البکر : در اثبات اینکه یک پسر با یک زن باکره ، ولایت استقلالی در تزویج باکره دارند .
  - ۱۳ . ازاحة الریة فی وجوب صلاة الجمعة فی زمن الفقه .
  - ۱۴ . الاعسار : درباره اینکه فقر مجوز فسخ نکاح است . نسخه اصل آن به شماره ۳۴۱۰ در کتابخانه آیه الله مرعشی است .
  - ۱۵ . ارث الزوجة و الحیوة .
  - ۱۶ . اجوبة المسائل الواردة من ماوراءالنهر .
  - ۱۷ . رساله در جهاد : نسخه خطی آن در کتابخانه آیه الله مرعشی است .

### (ب) اصول

۱. ایضاح الطريق و فص العقیق : این کتاب در محاکمه بین اصولی ها و اخباری هاست و اینکه هر اصولی صحیح ، اخباری است و هر اخباری صحیح ، در عمل اصولی است . و مجتهد ، در استنباط ، هم به اصول و هم به اخبار نیاز دارد . کتاب را بر میرزای شیرازی عرضه داشت و مورد پسند وی قرار گرفت . نسخه خطی آن به شماره ۳۴۱۸ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است <sup>(۱)</sup> .

۲. حاشیه معال الأصول .

۳. تفسیر الأصول لمن أراد الاستنباط من کتب الأخبار .

۴. التمهید فی : تقریرات بحث اصولی استادش علامه شیخ هادی تهرانی است .

۵. شرح کتاب تهذیب الأصول : علامه حلی : نسخه اصل آن در کتابخانه آیه الله مرعشی است .

### (ج) حدیث

۱. رسالة فی فضیلة العلم و العلماء العاملين : نسخه خطی آن در کتابخانه آیه الله مرعشی است .

۲. نظم حدیث الکساء : این کتاب در سال ۱۳۴۳ به چاپ رسیده است .

۳. ترتیب أخبار التهذیب و الاستبصار ، و الفقیه و الکافی : در این کتاب ، روایاتی را که مشایخ ثلاثه در غیر باب مناسب خود آورده اند ، به جای خویش آورده است .

۴. تصحیح وسائل الشیعه .

## (د) تفسیر

۱. آیات الأحكام<sup>(۱)</sup>.

نسخه خطی آن به شماره ۳۴۱۴ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.

۲. تفسیر القرآن الکریم (نا تمام).

## (ه) کلام و عقاید

۱. کفای المکائد فی اصلاح المفاسد: ردّ بر صوفیه، به ویژه فرقه گنابادی و پاسخ به ملا سلطانعلی گنابادی است که به چاپ رسیده است<sup>(۲)</sup>.

۲. الردّ علی نسخه<sup>(۳)</sup>.

۳. صمصام مهدوی: ردّ بر ملا خان هروی (ملا شمس هراتی رضوی) است<sup>(۴)</sup>.

۴. لبّ الخطاب فی ردّ شبهات اهل البیت (فارسی): نسخه اصل آن به شماره ۳۴۱۱ در کتابخانه آیه الله مرعشی است<sup>(۵)</sup>.

۵. رساله در ردّ بابیه و بهائیه: نسخه اصل آن در کتابخانه آیه الله مرعشی است.

۶. نور المعرفة: در اصول دین است و نسخه آن به شماره ۳۴۰۶ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود می باشد<sup>(۶)</sup>.

۷. فصل الخطاب: در اثبات نبوت خاصّه از کتاب های آسمانی است.

۸. بدایة المعرفة: در اصول دین می باشد و نسخه اصل آن به شماره ۳۴۱۴ در

(۱) تهرانی، آقابزرگ، الذریعه، ج ۱، ص ۴۳.

(۲) همان، ج ۲، ص ۲۸۰.

(۳) همان، ج ۱۰، ص ۲۰۳.

(۴) همان، ج ۱۵، ص ۸۸.

(۵) همان، ج ۱۸، ص ۲۸۶.

(۶) همان، ج ۲۴، ص ۳۳۷.

کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است<sup>(۱)</sup>.

## (و) تاریخ

۱. بغیة الطالب فی من رأى الإمام الغائب (فارسی): در سال ۱۳۴۲ ق به چاپ

رسید<sup>(۲)</sup>.

۲. مذكرة الطالب: ترجمه عربی بغیة الطالب است.

۳. الدرّة البيضاء فی نبذ من أحوال أصحاب الکساء: نسخه خطی آن به شماره ۳۴۱۴

در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است و درباره شرح احوال پنج تن آل عبا می باشد<sup>(۳)</sup>.

۴. الکبریة: شرح رفاة المنبر: بارها در ایران و هند به چاپ رسیده و به فارسی است. این کتاب به زبان اردو نیز ترجمه شده و در سال ۱۳۴۳ ق در هند چاپ شده است و یکی از بهترین کتاب ها در موضوع آداب منبر به شمار می رود<sup>(۴)</sup>.

۵. مفتاح الفردوس: در فضایل و مناقب و مقتل امام حسین علیه السلام می باشد. به زبان فارسی نیز به چاپ رسیده است<sup>(۵)</sup>.

۶. مکین الأساس فی أحوال مولینا أمی الفضل العبد المذنب (فارسی): در پایان کبریة احمر به چاپ رسیده است<sup>(۶)</sup>.

۷. وقایع الشهور و الأعوام (فارسی): بارها به چاپ رسیده است<sup>(۷)</sup>.

(۱) همان، ج ۳، ص ۵۹.

(۲) همان، ج ۳، ص ۱۳۳.

(۳) همان، ج ۸، ص ۹۲.

(۴) همان، ج ۱۷، ص ۲۶۰.

(۵) همان، ج ۲۱، ص ۳۳۸.

(۶) همان، ج ۲۲، ص ۱۸۲.

(۷) همان، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

## ز) اجازات و رجال و درایه

۱. الاجازة الوجيزة للدرة الفاخرة العزیزة : اجازه‌ای است که به آیه‌الله مرعشی در سال ۱۳۴۱ ق اعطا نموده است.
۲. الدراية والرجال (۳ جلد).
۳. ذخيرة البعاد فی الإجازة لأفلاذ الأكباد : اجازه‌ای است مفصل که در ۱۳۴۴ ق تألیف کرده به شماره ۳۴۱۸ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود است<sup>(۱)</sup>.
۴. رجحان قائن : این کتاب در سال ۱۳۸۵ ق ، از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است<sup>(۲)</sup>.
۵. الفوائد الرجالية : نسخه خطی آن به شماره ۱۳۷۱ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود است.
۶. الفوائد الطوسية والدروس الرجالية : نسخه آن به شماره ۳۴۱۶ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود است.
۷. الفوائد الكاظمية ( وجيزة المقال في علم الرجال ) : نسخه آن به شماره ۳۴۱۵ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود است<sup>(۳)</sup>.
۸. الفوائد المكية .
۹. المعوائد القروية فی شرح الفوائد الغروية : این کتاب در سه جلد و شرح رجال استادش آقا سید ابوطالب قائنی است. جلد اول و سوم آن به شماره ۱۴۰ و ۳۴۰۸ در کتابخانه آیه‌الله مرعشی موجود می باشد<sup>(۴)</sup>.

(۱) همان، ج ۱۰، ص ۱۹.

(۲) همان، ج ۱۰، ص ۹۸.

(۳) همان، ج ۲۵، ص ۵۴.

(۴) همان، ج ۱۵، ص ۳۵۴ و ج ۱۶، ص ۳۵۱.

### ح) قرائت و تجوید

۱. شرح نظم اللثالی (نوشته میرزا ابو القاسم قاری): نسخه آن به شماره ۳۴۱۰ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.
۲. القراءة و التجوید.

### ط) متفرقات

۱. جنگ: نسخه آن به شماره ۳۴۱۲ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.
۲. بیاضیه فی شرح و مدینه الریاض: به شماره ۳۴۰۹ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.
۳. الکشکول فی سطرینک المعقول و المنقول<sup>(۱)</sup>.

### ی) اخلاق و ادعیه و زیارات

۱. الاخلاق (فارسی): نسخه آن به شماره ۳۴۱۴ در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.
۲. الرسالة الرجیة (فارسی).
- در تشویق به زیارت مشاهد مشرفه به زمره مکتوبات ائمه امام رضا علیه السلام در ماه رجب و شرح زیارت رجبیه و جامعه صغیره می باشد که در سال ۱۳۴۵ ق به چاپ رسیده است<sup>(۲)</sup>.
۳. سیر و سلوک.
۴. فاکه‌الذاکرین: در ادعیه و زیارات است و در ۳۷۳ صفحه در سال ۱۳۳۳ ق

(۱) همان، ج ۱۲، ص ۱۹۷.

(۲) همان، ج ۱۸، ص ۸۳.

(۳) همان، ج ۱۰، ص ۱۶۱.

چاپ شده است<sup>(۱)</sup>.

۵. منجی المستجير (منجی المتحیر)<sup>(۲)</sup>.

### ۴) شعر و ادب

مرحوم علامه، علاوه بر مقام رفیعش در علوم اسلامی، ادیب بلند پایه‌ای بود که به عسل و فارسی شعر می‌سرود و به «صافی» و «عاصی» تخلص می‌کرد و دیوان شعرش نزدیک به دو هزار بیت است. برخی از کتاب‌های ادبی ایشان عبارت‌اند از:

۱. ارجوز فی نحو

۲. دیوان اشعار که فرزندش آیه‌الله شیخ محمد حسین آیتی ضیائی گردآوری

کرده است<sup>(۳)</sup>.

یکی از اشعار وی این است

|                                |                                 |
|--------------------------------|---------------------------------|
| تا به کی هستی گرفتار خیال      | تا به کی مانوس با این قیل و قال |
| تا به کی گویی صحیح او اعم      | کی این حرف‌ها بافی به هم        |
| تا به کی اوراق را بر هم زنی    | با زاصل مثبت اندک دم زنی        |
| تا به کی این رنج‌های بی قیاس   | تا به کی معلوم تو حال قیاس      |
| صورت است این ای جناب مستطاب    | بی ثبات است هم چون نقشی روی آب  |
| جمله وهم است و خیال است و بدع  | جمله مکر است و مکر است و خدع    |
| گر تو را معنا از آن مقصود و لب | گر تو را مقصود از آن کشف و لب   |
| پس چرا آثار آن آثار زشت        | گند آن پُر کرده هر بدم و زشت    |
| با خیال غیر حق این ای فلان     | می‌رساند در جحیمت بی‌گمان       |

(۱) تهرانی، آقابزرگ، الذریعه، ج ۱۶، ص ۹۷.

(۲) همان، ج ۲۲، ص ۲۰.

(۳) همان، ج ۹، ص ۱۱۹.

گر که چشم باطنت بیند عیان      آب این سوزان تر است از نار آن<sup>(۱)</sup>

### مشایخ اجازه

مرحوم علامه بیرجندی از بسیاری از علمای شیعه اجازه روایت و اجتهاد اخذ کرده بود، که برخی از ایشان عبارت‌اند از آیات عظام:

۱. محدث نوری، صاحب مستدرک الوسائل (م ۱۳۲۰ ق).

۲. شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ ق).

۳. شیخ مایان تهرانی.

۴. سید محمد حسن مامقانی (م ۱۳۲۳ ق).

۵. شیخ حسن آینه نوری (م ۱۳۲۷ ق).

۶. میرزا محمد ملام حاکم سوقی اصفهانی (م ۱۳۱۸ ق).

۷. حاج میرزا حسین خلیلی.

۸. مولا محمد فاضل ایروانی.

۹. سید اسماعیل صدر (م ۱۳۳۷ ق).

خود نیز به بسیاری از علمای شیعه اجازه روایت بخشیده بود که برخی از ایشان عبارت‌اند از:

سید علی مدد موسوی قاضی، شیخ محمد علی یزدی، حاج ملا علی واعظ خیابانی، آیه الله مرعشی نجفی، آیه الله میرزا ابوالحسن خنجر (صاحب حاشیه بر کفایه)، سید علی نقی نقوی لکهنوی، فرزندش آیه الله شیخ محمد حسین آیتی و سید حسن آل طه یزدی.

(۱) اشکوری حسینی، احمد، تراجم الرجال، ج ۲، ص ۶۰۴.

## بازماندگان

از مرحوم آیه الله شیخ محمد باقر بیرجندی، به جز تألیفات پر ثمر بسیار، نسلی صالح و عالم و نامدار به جای ماند که تاکنون در شهر بیرجند منشأ خدمات بوده اند. از آن جمله فرزند بزرگوار ایشان، حضرت آیه الله حاج شیخ محمد حسین آیتی بیرجندی، جانشین پدر در تدریس و تألیف و خدمت به مسلمین بود. وی پس از خواندن ادبیت و سطوح در مشهد (نزد ملا عبدالجواد ادیب نیشابوری) و اصفهان (در محضر حاج سید علی نجف آبادی و حاج سید محمد نجف آبادی و میر محمد صادق خاتون آبادی) به نجف اشرف رفت و در درس های فقه و اصول آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد کاظم شیرازی و میرزای اصفهانی شرکت نموده به مقام اجتهاد نائل آمد و در سال ۱۳۴۳ ق به زادگاهش بازگشت و به اقامه جماعات تدریس، تألیف، پرورش شاگردان و دستگیری درماندگان و نیازمندان پرداخت. وی در دوران اختناق رضاخانی، چراغ فروزان علم و دانش را روشن نگاه داشت و مجالس سوگواری و شعائر حسینی را احیا کرد و کتاب های بسیاری نگاشت، که عبارتند از:

۱. شرح کفایة الأصول.
۲. دیوان شعر امام حسین علیّه السلام.
۳. در الفرید فی ما روی عن السبط الشہید.
۴. بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قائنات و قهستان (چاپ تهران).
۵. تذکره شعرای قهستان.
۶. دیوان در غلطان.
۷. فوائد العقول: در مسائل فقه و اصول.
۸. مقامات معنوی (چاپ تهران).
۹. مقامات الأبرار (در پنج جلد).

۱۰. در المنظوم فی مقتل الإمام المظلوم .

فرزند او جناب آقای حاج شیخ کاظم آیتی ، از روحانیون بیرجند می باشد و دامادهایش عبارت اند از : برادر زاده اش مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسین نابغ آیتی (شخصیت علمی بیرجند در زمان معاصر) و استاد فقید مرحوم حجة الاسلام دکتر محمد ابراهیم آیتی ، نویسنده تاریخ اسلام ، بررسی تاریخ عاشورا ، گفتار ماه تاریخ اندلس ، و چند کتاب دیگر بوده اند .

وی در شب جمعه ، پنجم ذی القعدة ۱۳۹۲ ق بدرود حیات گفت و در اغلب شهرها خراسان و حوزه علمیه قم و حتی از سوی حکومت وقت در مسجد سلطانی مرسمی گذشت مقام علمی اش برگزار گردید<sup>(۱)</sup> . و حوزه قم در غم فقدانش ، یک روز تعطیل شد .

همچنین فرزندان دیگر آلاء بیرجندی ؛ یعنی شیخ محمد تقی و شیخ محمد حسن نیز از جمله فضلا بودند .

### درگذشت

سرانجام آن مرد بزرگ ، پس از عمری پر تلاش و کوشش در راه اعلای کلمه حق ، در شب جمعه ۱۴ ذیحجة الحرام سال ۱۳۵۲ هـ در ۶۰ سالگی چشم از جهان فرو بست . پیکر او را در مدرسه معصومیه غسل دادند و پس از تشییعی کم نظیر ، در مقبره مخصوص خویش به خاک سپردند . به دنبال اعلام خبر وفاتش ، در بیشتر شهرهای ایران مجالس یادبودی برگزار شد و حوزه علمیه قم به سوگواری نشست و آیه الله مرعشی در مدرسه فیضیه مجلس باشکوهی منعقد ساخت<sup>(۲)</sup> .<sup>(۳)</sup>

(۱) رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۳، ص ۲۶۷؛ سعیدزاده، محسن، بزرگان قائن، ص ۳۶۷

- ۳۷۷؛ تهرانی، آقابزرگ، نهایة البشر، ج ۲، ص ۸۹۰.

(۲) مرعشی، سید محمود، المصلاط، ج ۲، ص ۱۱.

(۳) در نگارش این مقدمه از این منابع استفاده شده است: انصاری قمی، ناصرالدین، اختران فقاہت، ج ۱،

## آشنایی با کتاب حاضر

کتاب فاکه الذاکرین مجموعه‌ای است فراهم آمده از ادعیه و آداب و اوراد و اذکار و تعقیبات. چه خوب است در این مقدمه به نکاتی درباره دعا پرداخته شود تا بیشتر به اهمیت ادعیه پی ببریم.

یکی از مهم‌ترین اسباب موفقیت، توجه زیاد به خداوند متعال و اهتمام به ادعیه و توسل به الله اطهار علیه السلام مخصوصاً وجود مسعود حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همین توسلات انسان را در تحصیل علم و کسب اخلاص و تهذیب، نفس و ترک گناهان، فراوان یاری می‌دهد. باید دانست که یکی از مهم‌ترین رموز موفقیت به برگان و علما، توجه و علاقه بسیار این عزیزان به امامان معصوم علیهم السلام است.

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه می‌فرماید:

«ائمه طاهرين بسيارى از مسائل دینی، لسان ادعیه بیان فرموده‌اند. لسان ادعیه با لسان‌های دیگری که آن بزرگواران داشتند و احکام را بیان می‌فرمودند خیلی فرق دارد، اکثر مسائل روحانی، مسائل ماوراء طبیعت و امور مربوط به معرفه الله است را با لسان ادعیه بیان فرموده‌اند. همین دعاها و توسل‌هاست که خدا، انسان را به مبدأ غیبی متوجه می‌کند.

اینهایی که از کتب ادعیه انتقاد می‌کنند برای این است که نمی‌دانند کتب ادعیه چگونه و چگونه انسان می‌سازد، نمی‌دانند این دعا‌هایی که از ائمه ما وارد شده، شیء و اجات شعبانیه، دعای کمیل، دعای عرفه، سمات و ... چه جور انسان درست می‌کنند؟ آنها که برای دور کردن مردم از ادعیه، کتب دعا را آتش می‌زنند و روزی را برای آتش سوزی کتاب‌های عرفانی و دعا داشتند، نمی‌فهمیدند دعا یعنی چه؟ تأثیر

دعا را در نفوس انسان نمی دانستند، نمی دانستند که همه خیرات و برکات از دعا خوانهاست»<sup>(۱)</sup>.

بدین سان علما و بزرگان اهتمام ویژه‌ای به ادعیه داشته‌اند و به آنها سفارش نموده‌اند و کتاب‌هایی نوشته‌اند<sup>(۲)</sup>.

از کسانی که به این امر اهتمام ویژه‌ای داشته، عالم جلیل و فقیه عصر و محدث ده‌ها حاج شیخ محمد باقر قاینی است که کتاب **فاکهة الذاکرین** را نگاشته و به سال ۱۳۲۲ ق به صورت طبع حجری آراسته گردیده.

به منظور نشر مجدد کتاب با کیفیتی مطلوب، ما این کتاب را مقابله و تصحیح، و با متون اولیه حدیثی، عرفانی و تفسیری تطبیق و استخراج نمودیم؛ چون خود مرحوم حاج شیخ محمد باقر می‌فرماید: «این رساله را وضع کردم در بیان اوراد و ادعیه مختصره که غائب مزین خوانند از آن استفاده نمایند و تمام آن مگر اندکی مستخرج است از اصول مسند اصحاب<sup>(۳)</sup> که صحیح است طریق آنها و جایز است برای این ضعیف روایت آنها» چنان که در مقدمه کتاب تعدادی از آنها را نام می‌برد. مؤلف این اثر افزون بر کتب شریعه، اهل سنت نیز استفاده فرموده و آن را در ضمن یک مقدمه و دوازده باب، به دعا و اسمای مبارک ائمه طاهرین<sup>(۴)</sup> تدوین کرده است.

در پایان، از همه برادرانی که ما را کمک کرده‌اند به ویژه آقایان محمد رضا نجفی، سید عباس سلمان زاده و سید ابوالقاسم موسوی که زحمت و اسرار متن را پذیرفته بوده‌اند و همچنین از حروف چین‌های صبور و بزرگوار آقایان سید محمد و سید علی معلم سپاس داریم؛ و از همه کسانی که از این کتاب بهره می‌برند التماس دعا

(۱) مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، ص ۲۰۹.

(۲) کسانی که می‌خواهند اسمای کتب ادعیه را بدانند به مقدمه کتاب شریف **نزهة الزاهد** به قلم دانشمند فرزانه آقای رسول جعفریان مراجعه نمایند.

شرح حال مؤلف □ ۲۵

داشته، می‌خواهیم که برای شادی روح مرحوم علامه حاج شیخ محمد باقر قاینی  
بیرجندی هم دعا کنند.

محمد حسن زبری قاینی - علی اصغر شکوهی قوچانی

www.ketab.ir

## بسم الله الرحمن الرحيم

لَحْمَدُ لِلَّهِ الْحَمِيدِ الْحَكِيمِ الَّذِي شَرَعَ لَنَا مِنْ حِكْمَتِهِ سَبِيلَ الدُّعَاءِ وَالشُّنَاءِ ،  
وَجَعَلَ مِنْهُ سَبِيلَ الْإِيمَانِ وَالْأَزْكِيَاءِ الْأَتْقِيَاءِ ، وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ إِمَامِ  
الْأَيْمَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ ، سَلَامٌ مِنْ آلِهِ الْقَادَةِ فِي الْخَيْرِ ، وَالسَّادَةِ فِي الْإِهْتِدَاءِ ، وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ  
عَلَى أَعْدَائِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْإِغْيَاءِ الْأَغْيَاءِ ، وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْ طَرِيقَتِهِمُ الْمُثْلَى مِنَ  
النُّيُومِ إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ وَالصَّلَاةِ

## بیان فضیلت علم و علما

اما بعد : چنین گوید قاصر از نیل به عالی و مفاخر ، ابن المرحوم آقا آخوند مولا  
محمد حسن القاینی (محمد باقر) نزیل البیرون مدد عفی الله عنه وعن والديه وإخوانه  
المؤمنین، که فضیلت علم و اهل آن، کالتور علی الارض، ساطع و واضح است ، و  
کتاب و سنت به آن مشحون .

ولنعم ما قیل :

|                                                 |                                                              |
|-------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------|
| وَالنَّاسُ مَوْتَى وَأَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ | وَالنَّاسُ مَرَضَى وَبِهِمْ أَطِبَاءُ                        |
| النَّاسُ أَرْضٌ وَأَهْلُ الْعِلْمِ فَوْقَهُمْ   | سَمَاءٌ نُورٌ وَمَا فِيهَا مِنْ ظُلُمَاءُ                    |
| وَزُمرَةُ الْعِلْمِ رَأْسُ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ  | وَسَائِرُ النَّاسِ فِي التَّمْثِيلِ أَعْضَاءُ <sup>(۱)</sup> |

و علم است مصاحب بی آزار ، و مونس لیل و نهار ، و مصباح ظلمات در مهالک و  
اهوال و شدائد حلّ و ارتحال ، و چه نیکوست نظم حافظ مغاربه ابی عمر یوسف

(۱) معزالدين، سيد محمود، المعز لمن يروم المعز، ج ۱، ص ۱۲۱.

بن عبد الله بن عبد البر القرطبي المالکي، صاحب کتاب استیعاب در معرفت اصحاب، و کافیه در فقه مالک در پانزده مجلد، و شرح موطن در سی مجلد، و کتاب الدرر فی اختصار المغازی و السیر الی غیر ذلك.

تَذَكَّرْتُ مَنْ يَبْكِي عَلَيَّ مُدَاوِمًا      فَلَمْ أَرَ إِلَّا الْعِلْمَ بِالْدِّينِ وَالْخَبَرَ  
مُلُومٌ كِتَابُ اللَّهِ وَالسُّنَنِ النَّبِيِّ      أَتَتْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ مَعَ صِحَّةِ الْأَثَرِ

روایت رسول ﷺ روایت است که فرمود :

الْمُتَّحِلُ لِيَلْقَى      وَالْعَقْلُ طَوْقٌ مِنْ ذَهَبٍ  
وَالْبَدَقُ حُورٌ وَاضِعٌ      وَالْكَذِبُ نَارٌ مِنْ لَهَبٍ  
صَدَقَ الْمَوْلَى قَوْلًا وَسَلَّمْ.

در بیان اینکه غرض اصلی از علم، عمل به مقتضای آن است

ولکن واضح است و در سایر صحیفات شرح کرده ام که غرض از آن، تداوی به آن است.

و شیخ صدوق در خصال و أمالی روایت کرده که عیسی بن مریم فرمود :  
«الدِّينَارُ دَاءٌ الدِّينِ وَالْعَالِمُ طَبِيبُ الدِّينِ، فَإِذَا رَأَى نَفْسًا تَسِيرُ فِي سَبِيلِ الدَّاءِ إِلَى نَفْسِهِ قَاتَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ غَيْرُ نَاصِحٍ لِنَفْسِهِ»<sup>(۱)</sup>.  
و عن الباقر عليه السلام قال :

«قُرَأَ الْقُرْآنُ ثَلَاثَةً: رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بَضَاعَةً وَاسْتَدَرَّ بِهِ الْمُلُومَ وَالْطَّالِبَ بِهِ عَلَى النَّاسِ، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَضَيَّعَ حُدُودَهُ وَأَقَامَهُ إِقَامَةَ الْقَذْحِ وَالْقُرْآنُ هُوَ لَا مِنْ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ فَأَشْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَأَظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ، وَقَامَ بِهِ فِي مَسَاجِدِهِ، وَتَجَافَى بِهِ عَنْ فِرَاشِهِ قَبْلًا وَلِئِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ الْعَزِيزُ

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، خصال، ج ۱، ص ۱۱۳؛ نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۲۷؛ حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۶.

الْجَبَّارُ الْبَلَاءَ، وَيَأُولَئِكَ يُدِيلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأَعْدَاءِ، وَيَأُولَئِكَ يُنَزِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ، فَوَاللَّهِ لَهَؤُلَاءِ فِي قُرْآنِ الْقُرْآنِ أَعْزُّ مِنَ الْكِبَرِيَّتِ الْأَخْمَرِ».

و این را ثقة الاسلام در کافی و شیخ حرّ و غیر ایشان از محدّثین نیز روایت کرده‌اند<sup>(۱)</sup>. و قول صوفیه که می‌شود بنده از دوی طاعت و عبادت بی‌نیاز شود غلط و کجاست.

### در مذمت اکثر ابناء زمان از جهت صرف غالب اوقات خود

#### را به کسالت و بطالت

پس عاملان بیداری در مع حالات در تحصیل کمالی از کمالات ساعی باشد علماً و عملاً، بر خلاف ابناء زمان که غالب اوقات و آوان خود را به کسالت و بطالت می‌گذرانند و ذم آن در بارگاه است<sup>(۲)</sup>، فَتَرَى الْأَمْرَ كَمَا قَالَ أَبُو الْأَسْوَدِ الدُّؤْلَبِيُّ، چنانچه شیخ بهائی در کشف المستحجاب<sup>(۳)</sup> داده و در دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است:

|                                                |                                              |
|------------------------------------------------|----------------------------------------------|
| وَالْمُنْكَرُونَ لِكُلِّ أَمْرٍ مُنْكَرٍ       | ذَهَبَ الرِّجَالُ الْمُقْتَدَى بِفِعَالِهِمْ |
| بِمَا لَيْتَنَعَ مُعَوَّرٌ عَنْ مُعَوَّرٍ      | وَبَقِيَتْ فِي خَلْفٍ يُزَيِّنُ بَعْضُهُمْ   |
| أَصَابَ بَدِينَهُ لَمْ يَشْعُرْ <sup>(۳)</sup> | فَطِنَ بِكُلِّ رَزِيَّةٍ فِي مَالِهِ         |
|                                                | وَقَالَ النَّمْرِيُّ الْقُرْطُبِيُّ أَيْضاً: |
| وَصَارَ زُعَاةً بَعْدَ كَانٍ سَلَسَلَا         | تَنَكَّرَ مَنْ كُنَّا نَسُرُّ بِقُرْبِهِ     |

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۶۲۷؛ ابن بابویه، محمد بن علی (رح صدوق)، اُمالی، ص ۱۶۹، مجلس ۳۶؛ همو، خصال، ج ۱، ص ۱۴۲؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳؛ ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزّه النواظر - معروف به مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۶۴.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۵، ص ۸۵، باب «کراهیه الکسل».

(۳) الأعلمی، جمعه حسین، دیوان امام علی علیه السلام، ص ۵۸ و ۶۸.

وَحَقُّ لَجَارٍ لَمْ يُوَافِقْهُ جَارُهُ  
إِذَا هَانَ ضَرٌّ عِنْدَ قَوْمٍ أَتَاهُمْ  
وَلَمْ تُضَرْبِ الْأَمْثَالُ إِلَّا لِعَالَمٍ  
وَلَا لَا يَسْمُهُ الدَّارُ أَنْ يَسْتَحْوَلَا  
وَلَمْ يَنَا عَنْهَا كَانَ أَعْمَى وَأَجْهَلَا  
وَمَا عُوبِتِ الْإِنْسَانُ إِلَّا لِيَعْقِلَا

در بیان اینکه طریقه عبودیت را از ائمه طاهرين (علیهم السلام) باید فرا گرفت  
و نحوه به مقتضای «يَنَا عَرَفَ اللَّهُ»<sup>(۱)</sup> معرفت خداوند عزّ وجلّ به ائمه طاهرين  
است، طریقه عبودیت را نیز از ایشان باید فرا گرفت؛ چنانچه در حدیث متواتر بین  
الفريقين تمسك به ائمه است<sup>(۲)</sup>، وَنَعْمَ مَا قِيلَ:

إِذَا شِئْتَ أَنْ تَنْجِيكَ مِنْ لَيْلٍ مَذْهَبًا  
فَدَعْ عَنْكَ قَوْلَ الْإِسْوَاقِ وَكَذِبِ  
وَوَالِ أَنْسَاسًا قَسَوُلَهُمْ وَخَدِيعَتَهُمْ  
يُنَجِّيكَ يَوْمَ الْبُعْثِ مِنْ أَلَمِ النَّارِ  
وَأَحْمَدَ وَالتَّعْمَانَ أَوْ كَمِبِ الْأَخْبَارِ  
رَوَى جَدُّنَا عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ الْبَارِي<sup>(۳)</sup>  
و علمای ما شَكَرَ اللَّهُ مَسَاعِيَهُمْ الْعَظِيمَةَ در وظایف عبادات و قربات و اوراد و  
تعقیبات زیاد از حدّ استقصا الحمد لله تعالی و کواران نوشته اند که مخالفین را صد  
یک آن نیست.

### در بیان شیوع غالب معاصی به زبان در این ائمه و آوان

ولکن این بی بضاعت چون دیدم که غالب معاصی که به زبان می شود در زمان  
ما شیوع دارد و حمد و ثنای حضرت حق عزّ شأنه کمتر بر آلس اینشان جاری  
می شود [این بحث را بیان کردم].  
قَالَ مَوْلَانَا الصَّادِقُ (علیه السلام):

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

(۲) ترمذی، محمد بن عیسی، سنن، ج ۵، ص ۶۶۳، ح ۳۷۸۸؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل  
الشیعه ج ۲۷، ص ۳۴؛ مقصود حدیث ثقلین می باشد.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱۰۸، ص ۱۱۷.

«ثَلَاثٌ لَا يُطِيقُهُنَّ النَّاسُ: الصَّفْحُ عَنِ النَّاسِ، وَمُوَاسَاةُ الْأَخِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ، وَذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا»<sup>(۱)</sup>.

و آن مثل غیبت و سخن چینی و تهمت و مدح غیر مستحق و ذمّ مستحق، مدح و کذب، و استهزا و قسم دروغ و بغیر اسم جلاله، و غنا و نوحه به باطل، و تشبیب با سلمات، و قذف به محصنات و اخبار از غائبات و استخبار از آن، و لغویات، و اظهار حسد و فحش و مرأ و مخاصمه، مضافاً به آنچه خاص به بعضی هست از شرک قولی و فتوای غیر اهل و شهادت زور و نحو ذلک، با آنکه هر یک از آنها از معاصی بیره و ذنوب موبقه می باشند.

و در قرآن و روایات اهل عصمت علیهم السلام تخویف و ایعاد بسیار وارد است، چنانچه در کتب اصحاب الارض و الارض علیهم وارد شده.

و در مجموعه شیخ جلیل سید ورام بن ابی فراس که موسومه است به نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، و کشکول شیخ بهائی مسطور است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبل فرمودند که زبان خود را حفظ کن. عرض کرد: آیا مؤاخذه می شوم به آنچه تکلّم کنم به آن؟ حضرت فرمود: اذکر و عیای تو بگیرد ای معاذ! آیا به روی در آتش می اندازند مردمان را غیر آنچه به زبان جاری ساخته اند؟<sup>(۲)</sup>

و در خصال صدوق از امام زین العابدین علیه السلام روایت است که زبان فرزندان آدم هر روز مُشرف می شود بر سایر اعضای او و می گوید: چگونه می شناسی که ما را به بلا جواب می گویند: به خوبی اگر تو ما را واگذاری، و او را قسم می دهی که ما را به بلا

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، خصال، ج ۱، ص ۱۳۳؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۵۷.

(۲) ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۰۵؛ شیخ بهایی، محمد بن الحسین، کشکول، ج ۱، ص ۵.

نیندازی، و می‌گویند: غیر این نیست که به سبب تو ای زبان ثواب داده می‌شویم<sup>(۱)</sup>.  
و آن را نیز در کافی روایت کرده<sup>(۲)</sup>. و روایت سابقه را نیز بدون ذکر معاذ گفته<sup>(۳)</sup>.

و صدوق نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که پدرم به من فرمود: ای  
فرزند! کسی که مصاحب رفیق بد شود سالم نمی‌ماند، و هر که در مواضع سوء  
داخل شود مدمم می‌شود، و کسی که مالک زبان خود نباشد نادم می‌شود، پس انشا  
فرمود:

عَوِّ بِسَانَكَ قَدَا الْخَيْرِ تُحَظَّ بِهِ      إِنَّ اللِّسَانَ لِمَا عَوَّدْتَ يَعْتَادُ  
مُوَكَّلٌ بِمَا ضَامًّا سَنَنْتَ لَهُ      فِي الْخَيْرِ وَالْشَّرِّ فَانْظُرْ كَيْفَ يَعْتَادُ<sup>(۴)</sup>

در بیان این سه چیز واجب فساد و هلاکت است و سه چیز

باعث نجات و سلامت است

و نیز از آن حضرت از پدر خود روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز  
هلاک کننده است، و سه چیز نجات دهنده است؛ اما آن سه چیز که هلاک کننده  
است: نقض بیعت، ترک سنت و مفارقت جماعت مؤمنین. و اما آن سه چیز که  
نجات دهنده است آن است که نگاه‌داری زبان خود را، اگر کنی برگناه خود، و  
ملازم شوی خانه خود را<sup>(۵)</sup>.

در بیان فضیلت سکوت و خاموشی

و در جمله‌ای از کتب معتبره مثل کافی و غیر آن از حضرت با علیه السلام روایت

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، خصال، ج ۱، ص ۶.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۱۵.

(۳) همان.

(۴) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، خصال، ج ۱، ص ۱۶۹.

(۵) همان، ج ۱، ص ۸۵.

کرده‌اند:

«إِنَّمَا شِيعَتُنَا الْخُرُسُ»<sup>(۱)</sup>.

طریحی فرموده: خَرَس - به تحریک - آفتی است که به زبان می‌رسد و مانع از کلام است<sup>(۲)</sup> و در اینجا سکوت از غیر خداست.

و در مجموعه است از نبی اکرم ﷺ که اکثر خطای فرزند آدم در زبان است<sup>(۳)</sup>. نیز از آن حضرت روایت است که مرد تکلم می‌کند به کلمه‌ای و نمی‌داند به کجا سید است. باعث می‌شود غضب خداوند را تا روز قیامت<sup>(۴)</sup>.

و در قمی، مسند صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام آمده است که علامت فقه، علم، حلم و خاشوعی است. به درستی که خاموشی سبب محبت و دلیل بر هر خیر است<sup>(۵)</sup>.

و پیغمبر ﷺ فرمود که گناه از زبان خود را که آن صدقه است بر تو، و نمی‌شناسد بنده حقیقت این را تا آنکه حفظ کند زبان خود را<sup>(۶)</sup>.

و در وسائل الشیعه و جمله‌ای از کتاب صدوق است که: عبادت نشده است خدا به چیزی بهتر از خاموشی و رفتن به بیت الله<sup>(۷)</sup>.

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

(۲) طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۰۳.

(۳) ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴.

(۴) همان، ج ۱، ص ۸.

(۵) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

(۶) همان، ج ۲، ص ۱۱۴.

(۷) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال، ص ۲۱۲؛ حر عاملی، محمد بن الحسن،

وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۱.

### در بیان مؤلف کتاب جامع الأخبار و اشتباه جمعی در تعیین آن

و در کتاب جامع الأخبار که مؤلف آن محمد بن محمد است، چنانچه در أمل الآمل به آن تصریح فرموده<sup>(۱)</sup> و گفته که اسم خود را در فصل تعلیم اظفار ذکر کرده، و این ضعیف نیز آن را در آن مقام در نسخه قدیمه یافتم، و مجلسی در بحار صاحب آن را مجهول دانسته با اعتراف به اینکه از متأخرین است<sup>(۲)</sup>، و کیف کان نسبت آن به صدور قطعه اشتباه است، و کذا آنچه صادر شده از قلم شریف شیخ حرّ در ایقاظ من الهجاء بالبرهان علی الرجعة از نسبت به ولد شیخ طبرسی صاحب مکارم الاخلاق<sup>(۳)</sup> صریحاً بخطه الشریف علی ما حکاه شیخنا رحمه الله فی نفس الرّحمان<sup>(۴)</sup> و بعضی به والد ایشان صاحب تفسیر، بعضی به حسن بن محمد السبزواری، و بعضی به شیخ جلیل جعفر بن محمد الباقری نسبت می‌دهند بضم الدال و فتح الباء - من بلاد الرّی<sup>(۵)</sup>، و در این زمان نیز معروف است به درست بودن این اشتباهات را در کتاب سفینه القماش نوشته ام.

مؤلف آن از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که راحت انسان در حبس لسان است<sup>(۶)</sup>.

(۱) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، أمل الآمل، ج ۲، ص ۷۵؛ سبزواری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۰.

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۴.

(۳) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، ایقاظ من الهجاء بالبرهان علی الرجعة، ص ۲۸؛ سبزواری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۰.

(۴) نوری، میرزا حسین، نفس الرحمان، ص ۱۳۴؛ سبزواری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۰.

(۵) سبزواری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۰.

(۶) همان، ص ۲۴۷.

## در بیان آفت لسان و آنچه مترتب می‌شود بر آن

و فرموده :

«سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ لِلْإِنْسَانِ»<sup>(۱)</sup>.

و فرموده :

«بَلَاءُ الْإِنْسَانِ مِنَ اللِّسَانِ»<sup>(۲)</sup>.

و فرموده :

«الْبَلَاءُ فِي سَلِّ الْمُنْطِقِ»<sup>(۳)</sup>.

و فرموده :

«فِتْنَةُ اللِّسَانِ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ السَّيْفِ»<sup>(۴)</sup>.

و نبی اکرم ﷺ فرمود : کسی که حفظ کند لقلقه و قبحه و ذبذبه ؛ یعنی زبان و شکم و فرج خود را داخل پوشش می‌شود<sup>(۵)</sup>.

و فرمود : از شرار ناس کمی است که در دمان از زبان او بپرهیزند<sup>(۶)</sup>.

و در نهج البلاغه است از امیرالمؤمنین علیه السلام که :

«الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا كَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ. فَأَحْزَنُ لِسَانِكَ كَمَا تَحْزَنُ ذَهَبَكَ وَوَرَقَكَ. فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً»<sup>(۷)</sup>.

و فرمود : هر چیزی را که نمی‌دانی مگو ، بلکه هر چیزی را هم که می‌دانی مگو ؛ زیرا که خداوند واجب فرموده بر همه جوارح تو واجباتی را که اگر نگوئی ، زوال خواهد فرمود

(۱) سبزواری ، محمد بن محمد ، جامع الأخبار ، ص ۲۴۷.

(۲) همان .

(۳) همان .

(۴) همان ، ص ۲۴۸.

(۵) همان ، ص ۲۴۹.

(۶) همان .

(۷) نهج البلاغه ، ص ۵۴۳ ، حکمت ۳۸۱.

از تو روز قیامت<sup>(۱)</sup>.

و فرمود:

«مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَزَاحَةً إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً»<sup>(۲)</sup>.

خلاصه آنکه مزاح نامناسب خلاف عقل است. و در دیوان منسوب به آن

حضر است که:

لَمْ أَرْقُومًا تَمَازَحُوا سَلِمُوا

وَرَبِّ قَوْلٍ يَسِيلُ مِنْهُ دَمٌ<sup>(۳)</sup>

و معلوم است که آن را می شود در اموری صرف کرد که سبب رضوان خداوند

و رفعت درجات می باشد.

### در بیان غرض وضع این رساله و اسم آن

پس این رساله را وضع کردم در بیان احوال و ادعیه مختصره که غالب عوام بتوانند به آن قیام نمایند و به سبب اشتغال ایشان، زبان خود را از هرزه و لغوگویی نگاه دارند، و این قاصر در ثواب با ایشان شریک باشد که الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَقَاعِلِهِ<sup>(۴)</sup>. و انجام آن در ضمن مقدمه و دوازده باب به نام مبارکه میمونه ائمه طاهرين<sup>(علیهم السلام)</sup> مصور گردید، و نامیده شد به: «فاکھة النوازل».

### در بیان مأخذ و مستند آنچه در این رساله ذکر می گردد

و جمیع آن الا نادری، مستخرج است از اصول معتبره اصحاب علم که صحیح

(۱) نهج البلاغه، ص ۵۴۴، حکمت ۳۸۲.

(۲) همان، ص ۵۵۵، حکمت ۴۵۰.

(۳) الأعلی، جمعه حسین، دیوان امام علی<sup>(علیه السلام)</sup>، ص ۱۳۴.

(۴) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰؛ حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۴.

است طرق آنها، وجایز است از برای این ضعیف روایت آنها، مثل کتب صدوقین، شیخین، مجلسیین، فقه الرضا (علیه السلام)، مکارم الاخلاق، کتب شیخ ثقة متبحر جلیل ابراهیم بن علی الجبعی - بفتح الباء الموحدة - الکفعمی، کتب شیخ حرّ، شهید ثانی، فیض، محقق اردبیلی، کتب ثلاثة شیخ بهائی از مصباح العابدین، مفتاح الفلاح و جامع عبّاسی، و گاهی از مخلاة و کشکول نیز نقل می شود، و کتاب تلمیذ ایشان، عمل سنی فقی.

و کتب در احادیث، نظیر مجلسی در تبخّر، آقا سید هاشم بحرینی، و کتب سید عماد صواب راجعات باهره علی بن طاووس، و کتب بعض اجلاء معاصرین، و صحیفه علویّه شیخ عبدالله بن صالح السماهيجی، و بعض کتب سید کبیر ثقة متبحر نهاية التبخر، که به تفسیره بالمأثور الموسوم بـ «خزائن الأنوار في فضل الأئمة الأطهار (علیهم السلام)» فی آخر من ثلاثین مجلداً بل کتابه الموسوم بـ «جنت الخلود» الأمير محمد رضا الحسيني المعاصر مجلسی و کتاب أنیس العابدین که از مولفان محمد بن محمد از علمای دولت صفویّه است، و بعضی از فضلا آن را برای خان آغا بیگم دختر شاه عباس ترجمه کرده است.

و قلیلی از باب تسامح در سنن از کتب عامّه نقل شده مثل صحیحین، مشکاة المصابیح، الحصن الحصین، خزينة الاسرار و غیرها، چنانچه از علمای ما رضوان الله علیهم است آن را نیز نسبت به محلّ خود دادم، وبالله التوفیق.

### در بیان فهرست کتاب از مقدّمه و ابواب آن

اما المقدّمه: پس در عظمت معاصی لسانیه است.

باب اول: در ثواب دعا و تلاوت قرآن.

باب دوم: در صفات داعی و بعضی نمازها و دعاها برای قضای حوائج.

باب سوم: در یوم و لیلۀ جمعه .

باب چهارم: در اذکار صبح و مغرب و ظهر .

باب پنجم: در آنچه هر روز خوانده شود و چند قنوت مختصر، و هرکه زیادت بخواهد رجوع کند به جزء اخیر بلد الامین کفعمی .

باب ششم: در ادعیۀ حالات مکرّره؛ مثل لباس پوشیدن، غذا خوردن و نوشتن .

باب هفتم: دعا و وقت بیداری و آداب تهجد .

باب هشتم: در آداب سجده شکر، مسواک کردن، اسم اعظم و نمازهای نافله غیر مروّیه .

باب نهم: در استحباب توسل به ائمّه طاهرین علیهم السلام و بعضی دعاها و زیارات، و در آن است دعا‌های ایّام هفته و لغز صومی قریش و نمازهای شب‌های هفته .

باب دهم: در ادعیۀ متفرّقه برای امور مهمّه و مثوبات عظیمه .

باب یازدهم: در تعقیبات مختصره که در غالب کتب رایج ذکر نشده و موجب مثوبات عظیمه است .

باب دوازدهم: در مقداری از ادعیۀ متفرّقه و احرا نایب و در آن است حرز یمانی مرقوم بر حضرت حجّت و زیارت عاشورا به کیفیت غیر مرسومه، و کُلُّ ذلک علی ما وعدّنا من الاختصار .

وَمَا أَنَا إِلَّا قَطْرَةٌ مِنْ سَحَابَةٍ

وَلَوْ أَنِّي أَلْفَتْ أَلْفَ قَطْرِ

## اما مقدمه

پس در اشاره اجمالیه به عظمت گناهان که به زبان می شود، اکتفا می شود به ذکر یک روایت در شریک از آنها و باقی حواله بر کتب مفصله است.

در بیان اینکه شرک به خدا به سه چیز حاصل می شود

اما شرک: پس به سه چیز حاصل می شود: به قلب؛ مثل آنکه اعتقاد کند شریک از برای واجب تعالی، یا نفل اتحاد و حلول شود، یا معاد و معراج جسمانی را انکار کند، یا خلود عذاب را از برای نفس، یا خلود را در نار قائل شود بدون عذاب، بلکه لدغ حیات و عقارب را لذت به مانند برای ایشان، مثل محی الدین عربی و اتباع او. و بالجمله منکر ضروری از ضروریات دین باشد.

و محقق در معارج الاصول فرموده:

«جَاحِدُ الْحُكْمِ الْمُجْمَعِ عَلَيْهِ كَافِرٌ، لِأَنَّهُ يَجْحَدُ مَا يُعَلِّقُ عَلَيْهِ مِنَ الشَّرْعِ، وَتَبِعَهُ بَعْضُ آخَرٍ، وَأَنْكَرَهُ بَعْضُهُمْ، وَلَهُ وَجْهٌ».

و به فعل؛ مثل آنکه قرآن را مثلاً - نعوذ بالله - در قاذورات عذاب و هر چیز که توهین و استخفاف به دین باشد.

و به زبان؛ مثل سب نبی ﷺ و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام.

و همه اقسام آن، سبب خلود در آتش و عذاب است، و کلام در قبول توبه از آن کلیه امر دیگر است.